

روابط عمومی و حفاظت محیط زیست خلیج فارس و دریای عمان

چکیده

دریا در کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان، به ویژه شاغلین در مشاغل و حرفه های وابسته و مرتبط با دریا از جمله جامعه صیادان، صاحبان شناورهای بزرگ و کوچک صیادی، تجاری و باربری و کارکنان آنها و فعالین حوزه گردشگری دریایی، منابع انسانی بالقوه ای برای پیشبرد برنامه حفاظت جامعه محور محیط زیست خلیج فارس و دریای عمان از طریق تضمین مشارکت آنها در این فرآیند می باشد. نگارنده در این مقاله در پی بدست دادن الگویی جامعه محور برای فراهم نمودن بستر مشارکت موثر و عمدتاً داوطلبانه جامعه شهروندان ساکن در مناطق ساحلی کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان در برنامه های مشترک حفاظت از محیط زیست این دو ابراه استراتژیک منطقه، به عنوان مکمل تلاشهای مشترک کشورهای عضو سازمان راپمی (ROPME) و تضمین اثربخشی این تلاشها می باشد.

مقدمه

با فروپاشی نظام کمونیستی شوروی و اتمام ظاهری جنگ سرد و نظام دوقطبی جهانی، می توان واقعه ۱۱ سپتامبر، جنگهای پس از آن و تبعات آن تا به امروز، اوجگیری قیمت نفت و سپس بحران مالی و اقتصادی فراگیر جهانی سالیان اخیر و تبعات آن در حوزهای مختلف از جمله افزایش جهانی بهای غذا و مواد غذایی و همچنین مقوله تغییرات اقلیمی و مسائل

اهمیت ویژه منطقه خاورمیانه در امنیت و اقتصاد جهانی و نقش و جایگاه فوق استراتژیک خلیج فارس، دریای عمان و تنگه هرمز در تامین و انتقال بخش عظیمی از انرژی مورد نیاز جهان، این دو ابراه استراتژیک - به عنوان سرمایه و منبع مشترک کشورهای پیرامونی- را در معرض تهدیدها و آسیبهای فزاینده ای قرار داده است. با توجه به تنوع و رو به رشد بودن این تهدیدها بویژه ورود فاضلابها و پسابهای صنعتی، نشت نفت و مواد شیمیایی، پیامدهای زیانبار جنگهای به وقوع پیوسته و آثار سوء آن برای اقتصاد و توسعه کشورهای منطقه، ضرورت تقویت تلاشهای مشترک پیشگیرانه برای کند نمودن و توقف روند رو به رشد آسیبهای وارده، بیش از پیش احساس می گردد. تاسیس سازمان منطقه ای حفاظت از محیط زیست دریایی (ROPME) در این راستا و همگرایی و هماهنگی بخشی این سازمان به تلاشهای کشورهای پیرامون خلیج فارس و دریای عمان، اقدامی ارزنده اما ناکافی بوده است. ناکافی از آن روی که فقط در سطح دولتها باقیمانده و از آن فراتر نرفته است. محدودیت منابع و گرفتار آمدن موافقتها و پروتکلهای عملیاتی در قید و بندهای بوروکراتیک و بوروکراسیهای سیاسی قوانین و مقررات داخلی کشورهای عضو، از اثربخشی تلاشهای مشترک پیشگیرانه از تهدیدها و آسیبها در قالب برنامه های مصوب کاسته است. شهروندان ساکن در جوامع انسانی مناطق همجوار

مرتبط با آن را می توان از جمله نقاط عطف شکل گیری معادلات جدید جهانی در حوزه های اقتصاد، سیاست، امنیت و محیط زیست جهانی دانست.

وابستگی مستقیم صنایع و رشد اقتصاد صنعتی کشورهای صنعتی جهان اول، بویژه کشورهای عضو گروه ۲۰ و گروه ۸ و نیاز اقتصادهای نوظهور کشورهای پرجمعیتی نظیر چین، هند و برزیل به انرژی، ضمن برانگیختن توجهات جهانی به انرژیهای پاک و انرژی هسته ای، اقتصاد انرژی و به تبع آن کشورهای دارنده منابع غنی نفت و گاز، بویژه کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت، اپک، از جمله کشور ما و کشورهای حاشیه خلیج فارس را در کانون توجه جامعه جهانی قرار داده است. در این شرایط، این کشورها از نقشی به مراتب کننده تر از قبل برخوردار گردیده که خلیج فارس بعنوان آبراه استراتژیک می تواند در کنار دریای عمان، بعنوان بستری مشترک، زمینه توسعه و تقویت همکاریهای مشترک منطقه ایی در حوزه های مختلف بویژه امنیت، اقتصاد و محیط زیست میان کشورهای منطقه را فراهم نموده و زمینه های حضور و مداخلات نیروهای خارجی بیگانه در امور امنیتی و اقتصادی منطقه را تقلیل داده و موجبات شکل گیری امنیت فراگیر منطقه ای و به تبع آن رشد و شکوفایی و بالندگی اقتصادی کشورهای منطقه و توسعه روابط اقتصادی، فرهنگی، امنیتی این کشورها و تسهیل و تسریع توسعه درون زای این کشورها و کاهش وابستگی به قدرتهای فرامنطقه ای را موجب گردد.

خاورمیانه و نقش آن در معادلات جهانی

رابطه متقابل امنیت و اقتصاد جهانی با انرژی و بازار عرضه و فروش محصولات تولیدی صنایع مدرن کشورهای صنعتی تراز اول جهان، به ویژه کشورهای صنعتی عضو گروه ۸ و گروه ۲۰ و اقتصادهای نوظهور کشورهای پرجمعیتی نظیر چین، هند و برزیل و بحران اقتصادی اخیر جهانی، منطقه خاورمیانه را به دلیل منابع غنی نفت و گاز و بازاری مهم برای توزیع و فروش محصولات تولیدی صنایع مختلف در کانون توجه جامعه جهانی قرار داده است. خلیج فارس و در کنار آن دریای عمان را می توان شاهراه انتقال بخش عظیمی از انرژی مورد نیاز جوامع صنعتی و یکی از مهمترین منابع مشترک اقتصادی کشورهای همجوار آن دانست. واکاوی تاریخ خلیج فارس نیز حکایت از نقش مهم تجاری، بازرگانی و سوق الجیشی آن در طول تاریخ برای کشورمان و سایر کشورهای منطقه دارد.

افزایش حجم تردد نفتکشهای غول پیکر، کشتیهای بزرگ اقیانوس پیمای تجاری، باربری و صیادی، نشت الاینده های نفتی و پتروشیمی به محیط و بستر خلیج فارس و دریای

عمان، آثار زیانبار جنگهای به وقوع پیوسته در پیرامون این دو آبراه استراتژیک و تبعات مخرب زیست محیطی آن، زباله های صنعتی کشتی ها و شناورهای در حال تردد روزانه از مسیر خلیج فارس و ورود فاضلابهای صنعتی و خانگی به بستر خلیج فارس و دریای عمان، این دو آبراه فوق استراتژیک را در معرض آسیبها و آسیب پذیریهای متعدد و متنوع زیست محیطی قرار داده است. رشد روز افزون آلودگی و گسترش عوامل تهدیدگر سلامت محیط زیست خلیج فارس و دریای عمان به عنوان سرمایه و منبع مشترک اقتصادی کشورهای پیرامونی آن، موجب پدید آمدن احساس نیاز به تقویت و توسعه همکاری های مشترک کشورهای همجوار برای پیشگیری و تقلیل آثار و پیامدهای ناگوار زیست محیطی فرآیندهای حاکم بر این آبراهه های حیاتی جهان را در میان دولتمردان و اندیشمندان منطقه پدید آورده که محصول و ماحصل این احساس نیاز مشترک، تولد و تاسیس سازمان ROPME میان کشورهای همجوار خلیج فارس و دریای عمان و نقش آفرینی های ارزنده منطقه ای آن تا به امروز می باشد.

تاسیس این سازمان منطقه ای گرچه از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و تاکنون تلاشهای ارزنده ای را در راستای صیانت از محیط زیست خلیج فارس و دریای عمان به انجام رسانیده که البته این تلاشها ناکافی و ناکامل می باشد. ناکافی و ناکامل از این روی که در سطح همکاریهای دولتی میان دولتهای کشورهای همجوار خلیج فارس باقیمانده و از آن فراتر نرفته و گرفتار آمدن برخی از موافقتنامه ها و مصوبات این سازمان در بوروکراسیهای نظام اداری و قانونی کشورهای عضو، مانع از نقش آفرینی آرمانی و رسیدن این سازمان منطقه ایی به جایگاه مطلوب مورد انتظار گردیده است.

خلیج فارس و دریای عمان به عنوان بستر مشترک همکاریهای مشترک منطقه ای دارای حلقه مفقوده ای برای عمق یافتن و نهادینه و عملیاتی گردیدن و ضمانت اجرایی یافتن مجموعه برنامه ها و تلاشهای مشترک کشورهای همجوار خلیج فارس و کشورهای عضو سازمان می باشند.

این حلقه طلایی مفقوده را می توان فقدان و یا ضعف مشارکت عمومی داوطلبانه شهروندان ساکن در جوامع انسانی کشورهای همجوار خلیج فارس و دریای عمان در برنامه های حفاظت از محیط زیست این دو آبراه استراتژیک قلمداد نمود. در حال حاضر روابط عمومی هنر و علمی مردم مدار است که مرزهای متنوعی را درنور دیده و به فله های ایده و خلاقیت و نگرش مناسب برای جلب مشارکت و همراهی بیشتر مردم از طریق برانگیختن حس اعتماد و احترام آنان و همچنین حفظ منافع سازمانی در برابر رخدادهای فراروی رسیده است.